

## **Pathology of the Influence of Saviorist Beliefs in Strengthening Islamic Fundamentalism: Examining the Model of ISIS Fundamentalism**

**Adel Meghdadiyan**\*

**Ammar Amed**\*\*

(Received on: 2020-04-26; Accepted on: 2020-10-03)

### **Abstract**

Different spiritual religions and sects promise happiness and liberation of man from the abnormalities of life. In line with this good news, they also make promises, which, intentionally or unintentionally, contain very costly issues. One of these issues is the doctrine of Saviorism and Mahdism. Having a savior who will bring man to all his potential capacities and turn society into the promised utopia can be accompanied by a positive conception of expectation that is the basis for individual and collective reform. But on the other hand, Saviorism is so deceptive that it takes its believers hostage in its mesh and makes them aggressive against others who, in their opinion, are preventing the coming of the savior and the formation of the ideal utopia. In the pathology of the problem of Saviorism, it is examined how and why a reformed thought that has the ability to improve the biological situation turns into a terrible fundamentalism. The present research, with a partial study of Saviorism from the point of view of the ISIS Salafist group, outlines the path of transforming the ideology of returning to the caliphate (as a kind of Islamic model civilization) into the formation of an exclusivist and violent group. The data has been collected by the method of library studies and the analysis is based on the logical description of causing damage in the process of formation and consistency of ideology.

**Keywords:** Saviorism, Mahdism, Fundamentalism, Violence, Islamic State (ISIS).

---

\* Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Ahl al-Bayt International University (AS), Tehran, Iran (Corresponding Author), meghdadiyan@abu.ac.ir.

\*\* Master's Graduate in Islamic Mysticism, Ahl al-Bayt International University (AS), Iran, amidammar1212@gmail.com.

## آسیب‌شناسی تأثیر باورهای منجی‌گرایانه در تقویت اندیشه بنیادگرایی اسلامی: بررسی الگوی بنیادگرایی داعش

عادل مقدادیان\*

عمار عامد\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲]

### چکیده

ادیان و فرقه‌های مختلف معنوی، نوید سعادت و رهایی انسان از ناپهنجاری‌های زندگی را می‌دهند و در راستای این بشارت، وعده‌هایی را نیز یک می‌کشند که در زاویه‌هایی از آن، خواسته یا ناخواسته، مسائلی نهفته است که به شدت هزینه‌زا است. یکی از این مسائل آموزه «منجی‌باوری و موعودگرایی» است. داشتن منجی‌ای که انسان را به تمام ظرفیت‌های بالقوه خویش برساند و اجتماع را به آرمان‌شهر موعود تبدیل کند می‌تواند همراه با مفهومی مثبت از انتظار زمینه‌ساز اصلاح فردی و جمعی باشد. اما از سوی دیگر، منجی‌گرایی آنچنان فریبنده است که باورمندان به آن را در مشبک خویش به گروگان بگیرد و از آنها پرخاشگرانی علیه دیگرانی بسازد که از نظر آنها، مانع آمدن منجی و تشکیل مدینه آرمانی هستند. در آسیب‌شناسی مسئله منجی‌باوری، چگونگی و چرایی تبدیل اندیشه‌ای اصلاحی که قابلیت بهبود اوضاع زیستی را در خود دارد، به بنیادگرایی وحشتناک بررسی می‌شود. تحقیق حاضر با جزءپژوهی درباره منجی‌باوری در نگاه گروه سلفی داعش، مسیر تبدیل ایدئولوژی بازگشت به خلافت (به عنوان نوعی تمدن الگوی اسلامی) به تشکیل گروهی انحصارگرا و خشونت‌طلب را ترسیم می‌کند. جمع‌آوری اطلاعات پژوهش به روش مطالعات کتابخانه‌ای و روش کار، تحلیل مبتنی بر توصیف منطقی روند ایجاد آسیب در فرآیند شکل‌گیری و قوام‌یافتن ایدئولوژی است.

**کلیدواژه‌ها:** منجی‌گرایی، موعودباوری، بنیادگرایی، خشونت، دولت اسلامی (داعش).

\* استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه بین‌المللی اهل‌البیت (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) meghdadiyan@abu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد عرفان اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل‌البیت (ع)، ایران amidammar1212@gmail.com

## مقدمه

آسیب‌شناسی یا pathology از ریشه یونانی patho به معنای احساس رنج و ناخشنودی و پسوند Logy به معنای دانش شکل گرفته است. بنابراین، آسیب‌شناسی در هر مطالعه‌ای بررسی عوارض و علائم غیرعادی بودن سیستم یا بعضی از اعضای سیستم را مطرح می‌کند، کما اینکه آسیب‌شناسی در اصطلاح علوم طبیعی، مطالعه و شناخت علل بی‌نظمی‌ها در ارگانیسم موجودات زنده است. آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) علل ناهماهنگی اجزا در فرآیند اجتماعی و هر نوع انحراف و نامیزانی اجتماعی را بررسی می‌کند. آسیب‌شناسی فرهنگی (cultural pathology) نیز به معنای بررسی آسیب‌هایی است که در مسیر تشکیل عناصر سازنده عادات اجتماعی می‌تواند رفتار و کنش‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً در شکل‌گیری تمدن اسلامی، به عنوان تمدنی که مسلمانان به جاودانه‌بودنش قائل‌اند، وجود خصالت‌های جاودانه به تمدن اسلامی اجازه می‌دهد اندیشه‌هایی را که با روح اسلام سازگاری داشت، از منابع گوناگون به خود جذب کند، در حالی که هیچ خدشه‌ای به کلیت و اصول تغییرناپذیر اسلام وارد نشود (نصر، ۱۳۹۴ الف: ۱۲). آن مسائلی که آسیب تلقی شده و مطرود قرار می‌گیرد عناصری بوده‌اند که آشکارا طبیعتی غیراسلامی داشته‌اند (همو، ۱۳۸۵: ک).

در جهان اسلام، هر از گاهی احساس فقدان هویت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مستقل، باعث ظهور داعیه‌دارانی شده که وعده بازگرداندن مردم به هویت اصیل اسلامی و مدینه فاضله الهی را داشته‌اند. از یک طرف هجمه فرهنگ وارداتی جهان مدرن به جهان اسلام و از طرف دیگر تعدد قرائت‌های روزافزون از حقیقت اسلام، جنبش‌های موعودگرایانه‌ای را رقم می‌زند که اغلب، سخنشان بازگشت به زمانه‌ای است که از نظر آنها بهترین دوران حاکمیت اسلام بوده است؛ یعنی عصر طلایی نبوت و بازگشت به دوران سلف صالح، یعنی صحابه‌ای که دور وجود پیامبر حلقه زده بودند و به واسطه اطاعتشان از رسول‌الله، حکومت اسلامی شکل گرفته بود. از همین رهگذر است که وجود

یک رهبر با همان کاریزمای نبوی، مسلمانان مرید آن رهبر را به نوعی دفاع بی‌قید و شرط از حقانیت رهبر خویش وامی‌دارد؛ مسئله‌ای که اغلب از آن نهضتی ویرانگر و بنیادگرا ظهور خواهد کرد.

مواجهه با فرهنگ غیر خودی با ادعای پرچمداری اسلام اصیل و ناب، آن‌قدر فریبنده است که دلباختگان ایدئولوژی اسلامی را تحت رهبری کسی که او را منجی و موعود یا زمینه‌ساز آرمان‌شهر موعود خویش می‌پندارند، به این نگرش و روش وادارد که برای تحقق این هدف باید به هر عملی دست زد. نهضت‌های اصلاحی که هدف اصلی‌شان اصلاح در سنت و تعدیل رفتاری فرهنگ‌های وارداتی است، در چنین جوامعی شکل می‌گیرد. درباره دوگانگی رفتار چنین نهضت‌هایی در ابتدای امر تا استقرار نظام جدید، نباید پنداشت که نوعی فریبکاری در جریان بوده است، بلکه حرکت ابتدایی تا مرحله استحکام بنای ایدئولوژی جدید باید آرام صورت گیرد تا پذیرش عامه را در پی داشته باشد و البته شور مریدان این نهضت‌ها در حمل بر صحت کردن خطاهای نهضت اصلاح‌طلب در مقابل خطاهای نظام سابق، باعث می‌شود مدتی سیر حرکت این نظام خودمنجی‌پندار، به طور عادی ادامه یابد و گاه حول برنامه‌های آرمانی خویش، فعالیت‌های نرم و ملایمی داشته باشند. در عین حال، اگر این گونه جریان‌ها با فراز و فرود رفتارهای مختلف فرهنگی اجتماعی مواجه شوند در مسیر حرکتشان دچار نوسان می‌شوند و تعادلشان را از دست می‌دهند و بحران در مدیریتشان رخنه می‌کند. اینجا است که وفاداران به نهضت اصلاحی ضمن انزجار از وضع متلاطم موجود به کام ایدئولوژی پناه می‌برند و از حالت طبیعی خود خارج می‌شوند. از این مقطع به بعد، این نظام‌ها در مقابل کنش‌های فرهنگی اجتماعی، موضع تند و افراطی بر مبنای ایدئولوژی خویش اتخاذ خواهند کرد نه بر اساس وضع موجود جامعه و این همان حالتی است که از آن تحت عنوان «بنیادگرایی» یاد می‌شود.

در پژوهش حاضر، که با روش توصیفی تحلیلی در منابع کتاب‌خانه‌ای صورت گرفته است، ابتدا مفهوم «بنیادگرایی» و «منجی‌باوری» توضیح داده می‌شود تا چارچوب نظری بحث شکل گیرد. آنگاه به روش توصیفی گزارش خواهد شد که چگونه منجی‌باوری به بنیادگرایی منجر می‌شود.

### ۱. پیشینه پژوهش

اصطلاح «بنیادگرایی» (fundamentum) مانند واژه «استعمار» ابتدا بار معنایی مثبت داشته است. بنیادگرایان در اندیشه بازیابی هویت دینی با بازگشت به بنیادهای اولیه دین بودند. شاید نزدیک‌ترین اصطلاح هم‌پایه این واژه در دنیای اسلام «سلفی‌گری» باشد که بازگشت به سیره سلف صالح در اندیشه این دسته از مسلمانان اساس فکری‌شان را تشکیل می‌دهد. نهضت‌های بنیادگرا عموماً برای به ثبوت رساندن این مدینه فاضله گم‌شده، دست به رفتارهایی می‌زنند که از نظر خودشان اقداماتی احیاگرانه معطوف به رفتار خالصانه و ارزش‌های مقدس پیشینیان است.

از جمله کتاب‌هایی که مستقیماً درباره بنیادگرایی نگاشته شده، *بنیادگرایی؛ پیکار در راه خدا* در یهودیت، مسیحیت و اسلام اثر کارن آرمسترانگ است. آرمسترانگ در این کتاب ریشه تضاد بنیادگرایی سنتی و دینی با مدرنیته را در تقابل عقل‌گرایی با اسطوره‌گرایی معرفی می‌کند و معتقد است اگر هر یک از این دو، حقوق متقابل یکدیگر را محترم بشمرند و قصد اثبات حقانیت خود را با توسل به زور و ارباب و کشتار نداشته باشند به عنوان بینشی فلسفی در هر سه دین بزرگ سامی، جایگاه فلسفی و اصولی ویژه‌ای خواهند داشت. آرمسترانگ (۱۳۹۶) در تبیین چرایی پدیدآمدن بنیادگرایی، این نهضت را بازگشتی به شکل کهن دین نمی‌پندارد، بلکه بنیادگرایی را واکنشی به بحران معنوی دنیای جدید می‌داند.

در میان آثار محققان عرب‌زبان، کتاب *بنیادگرایی در اسلام: خطری برای صلح جهانی؟* اثر بسام طیبی (۲۰۰۰) این مقوله را، به‌ویژه در اسلام و عصر جدید، توصیف کرده است.

این اثر، انقلاب اسلامی ایران را نیز انقلابی بنیادگرایانه برای بازگشت به اسلام ناب توصیف می‌کند. پس از حوادث یازده سپتامبر، مطالعات بنیادگرایانه اسلام بیش از پیش رونق گرفت. کتاب *بنیادگرایی* اثر ملیس روتون (۱۳۸۹) بر همین مبنا تألیف شده است. از نظر این دسته از نویسندگان، دو واقعه انقلاب اسلامی ایران در میان مسلمانان شیعی که به زمینه‌سازی حکومت فقیهان برای حکومت واحد جهانی و تحقق عدل اسلامی معتقد بود و نیز فعالیت‌های سلفیان القاعده به رهبری بن‌لادن در میان سنیانی که او را منجی می‌پنداشتند، اشتراک این نگاه را در دو مذهب کلامی فقهی تشیع و تسنن نشان می‌دهد. در میان آثار پژوهشگران فارسی‌زبان، کتاب *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، به کوشش حسین هوشنگی و احمد پاکتچی (۱۳۹۳)، صراحتاً به این دو نقطه عطف تاریخ اسلام شیعی و اسلام اهل سنت اشاره می‌کند. نویسندگان این کتاب معتقدند در دوره جدید و در جهان اسلام، باید گرایش ترقی‌خواه (مدرن‌گرایی) را در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی و نگرش بازگشت به اصول را در آثار حسن البناء، بنیان‌گذار جمعیت اخوان المسلمین مصر، جست‌وجو کرد. از نظر این پژوهشگران، اندیشمندانی چون ابوالاعلا مودودی، سید قطب و حسن البناء، و به طور کلی مؤسسان و وابستگان جمعیت اخوان المسلمین، همگی نمایندگان گرایش دوم محسوب می‌شوند. بنیادگرایی، در نگاه اینان، با منجی‌گرایی‌ای ارتباط دارد که دغدغه‌ای ضد‌استعماری داشت. گروه‌هایی همچون القاعده و طالبان بی‌شک از این دسته به حساب می‌آیند. محمد عبده، مفتی مصر (۱۲۶۶-۱۳۲۳ ه.ق.) که شاگرد جمال‌الدین اسدآبادی بود، به تدریج متقاعد شد که باید به بنیادگرایان پیوند و دنبال اصلاحاتی در خود دین باشد. در نسل بعد و در مصر می‌توان از محمد رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ ه.ق.) و در شبه‌قاره از ابوالکلام آزاد (۱۳۰۵-۱۳۷۹ ه.ق.) به عنوان ادامه‌دهندگان راه عبده یاد کرد. در این میان، رشید رضا جذب جریان سلفیه شد اما ابوالکلام آزاد، که در خانواده‌ای صوفی‌مشرک تربیت شده و سپس با فرهنگ غربی آشنایی عمیقی یافته بود و هرگز ارتباطی با اندیشه‌های سلفی نداشت، بیشتر به افکار

آسیب‌شناسی تأثیر باورهای منجی‌گرایانه در تقویت اندیشه بنیادگرایی اسلامی / ۱۵۳

مذهبی تجددگرا نزدیک بود، ولی از دهه ۶۰ قمری، با وجود آنکه در قید حیات بود، اما دیدگاه‌های ابوالاعلا مودودی (۱۳۲۱-۱۳۹۹ ه.ق.) بر فضای اصلاح‌طلبی هند غالب شد. تأسیس جماعت اسلامی هند به دست مودودی در ۱۳۶۰ ه.ق.، آغاز جریانی در شبه‌قاره هند بود که در کنار اخوان المسلمین به عنوان دومین جریان بنیادگرایی شناخته شده است. طبیعتاً استقلال پاکستان در سال ۱۳۶۶ ه.ق./۱۹۴۷ م. به عنوان کشوری اسلامی و تنش‌های بعدی با دولت هند، این جریان را بیشتر دامن زد. در ایران شیعی نیز گروهی همچون فتح‌علی آخوندزاده (۱۲۲۷-۱۲۹۵ ه.ق.) به‌کلی از دین بریده و نماد مدرنیته به صورت راه‌حلی سکولار برای اصلاحات بودند و گروهی همچون عبدالرحیم طالبوف تبریزی (۱۲۵۰-۱۳۲۸ ه.ق.) راه‌حل را در دین اصلاح‌شده می‌دیدند. در پایان دهه ۱۹۷۰ که پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وقوع می‌پیوندد جریانی با خاستگاهی شیعی توانست در صفوف مسلمانان غیرشیعی نیز پُر جاذبه باشد.

درباره ارتباط معنادار منجی‌گرایی و بنیادگرایی، آنچنان که استقرا شد، فقط یک پایان‌نامه تحت عنوان «موعودگرایی در مسیحیت انجیلی بنیادگرا» (قرلباش، ۱۳۸۹) نگاشته شده است که صرفاً درباره فرقه‌ای از مسیحیان است. نویسنده معتقد است پاره‌ای از فرقه‌های افراطی مسیحی با مطرح کردن تفسیری کاملاً ظاهری از کتاب مقدسشان تأثیری زیانبار بر وجهه تاریخی و دینی خود داشتند و اجازه هیچ‌گونه پرسش و گفت‌وگویی را درباره اصولشان نمی‌دادند. اصول کلی موعودگرایی نزد بنیادگرایان انجیلی مسیحی نیز از اصول پرسش‌ناپذیر و تغییرناپذیری محسوب می‌شود که امروزه منجر به اقدامات بنیادگرایانه‌شان شده است.

پژوهش حاضر از این جنبه نوآورانه است که نخست به علل و اسباب رابطه میان منجی‌گرایی و تأثیر آن در ایجاد جریان‌های بنیادگرایانه می‌پردازد و در قدم دوم با بررسی بنیادگرایی اسلامی و به‌خصوص پدیده داعش که در سال‌های اخیر سر برافراشته، زمینه‌های ایدئولوژیک این موضوع را در دنیای اسلام پیگیری می‌کند.

## ۲. بررسی مفاهیم «بنیادگرایی» و «منجی‌باوری»

«بنیادگرایی» برگردانی است از اصطلاح انگلیسی fundamentalism که برای نخستین بار در اوایل سده ۲۰ میلادی برای یکی از فرقه‌های مذهبی مسیحی در ایالات متحده به کار رفت (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۴۳). تکیه بر آموزه رستاخیز مسیح، یکی از اصول بنیادی این فرقه بود. مهم‌ترین شباهت پروتستان‌تیزم مسیحی با سلفی‌گری اسلامی این است که هر دو خواهان ساختن آینده‌ای بر مبنای بازگشت به عصر طلایی گذشته‌اند. طیفی از سلفی‌ها، اعم از وهابیان و دیوبندی‌ها، مدعی ارائه خالص‌ترین مضامین دینی بر پایه «سلف صالح» هستند؛ از این‌رو شالوده فکری فلسفی افراط‌گرایی بر باورهای سلفی بنا شده است (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵: ۴۰).

در جوامع اسلامی از آغاز حکومت اسلامی به صورت خلافت، تا پایان خلافت بنی‌عبّاس، که پرچم سیاه را برای تأمین عدالت و تطبیق شریعت اسلامی برافراشتند و از مهدی‌سودانی تا القاعده و طالبان و داعشی که اکنون، بستر فرهنگ اسلامی را در معرض تاخت و تازهای بنیادگرایانه خویش قرار داده‌اند و خود را منجی آخرالزمانی و وارث برحق شریعت محمدی می‌خوانند، همیشه وجوهی از منجی‌باوری استفاده شده است. وجود انبوهی از اخبار آخرالزمانی و نیز اخبار صحیح‌السند نزد شیعه و سنی درباره مهدویت سبب شد در بسیاری از مقاطع تاریخ، گروه‌ها و افراد مختلف با سوءاستفاده از آموزه مهدویت، این مفهوم مقدّس را به سود خود تصدیر و تفسیر کنند؛ به‌ویژه که مباحث آخرالزمانی با آموزه مقدّسی به نام «انتظار» همراه بود و مسلمانان همواره در پی یافتن نشانه‌هایی برای ظهور منجی آخرالزمان بودند (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۶: ۳۹۵).

منجی‌گرایی از مباحثی است که از صدر اسلام تا کنون در اندیشه اسلامی مطرح بوده است و همواره مسلمانان برای نجات از مشکلات اجتماعی و سیاسی‌شان به این گزینه پناه می‌جستند. اما تطبیق علائم و ملاحم آخرالزمانی با نحله‌ای خاص به هر نیتی که بوده، زمینه سوءاستفاده هم شده است، از جمله آنکه گروه‌های تکفیری رفتارهایشان را با آموزه



منجی‌گرایانه مطابقت داده و از مجرای آن اعمال قدرت می‌کنند. علی‌رغم اینکه روایاتی در این باب وجود دارد که پیش از ظهور مهدی، افراد مدّعی مهدویت و گروه‌های انحرافی نیز وجود خواهند داشت، اما با ذوب‌شدن مریدان در رهبری که موعود خویش می‌پندارند یا نحله‌ای که استقرارش را منجی جهان می‌شناسند، جهت‌گیری این گروه‌های تکفیری حداقل برای خودشان موجّه و خالی از انحراف و بلکه مصداق اسلام اصیل است (همان: ۳۸۷)، به گونه‌ای که مثلاً گروه تکفیری داعش، اوضاع و احوال نابسامان جامعه را به عنوان علامتی بر فروپاشی جهانی، و نهضت خود را تحت عنوان فرصتی جریان‌ساز به منظور برانگیختن انتظار مسلمانان برای بازگشت به مدینه نبوی، به نفع خود مصادره می‌کند و در این راه تمام ناکارآمدی‌هایش را توجیه‌پذیر می‌داند (همان: ۳۹۷).

فارغ از همه نقدها به این نهضت‌های منجی‌گرایانه، باور آنها در طول تاریخ به آموزه منجی‌گرایی به دو اندیشه متفاوت تقسیم می‌شود؛ آنانی که منجی را به عنوان فرد و مصداقی واحد و مشخص معرفی می‌کنند و موعودباوران بدون منجی.

### ۳. انواع منجی‌گرایان

#### ۳.۱. گرایش به منجی شخصی

منجی‌گرایان شخص‌محور معتقدند نجات انسان و تعلق‌گرفتن سرنوشت جهان به دست شخص واحدی رقم زده خواهد شد که اسمش در ادیان مختلف، متفاوت است، گرچه خصوصیات آن شخص در تمام این نحله‌ها بسیار نزدیک به یکدیگر است. منجی‌باوری در میان جامعه اسلامی همیشه وجود داشته است و مسلمانان معتقد بودند روزی فرا خواهد رسید که نجات‌بخشی برای رهایی جهانیان خواهد آمد.

گرچه به بیان غزالی جایگاه بحث از امامت و به تبع آن مهدویت در کلام نیست (غزالی، ۱۳۹۳: ۲۱۳) و به همین مناسبت موضوع مهدویت در کتاب‌های کلامی اهل سنت هرگز جایگاهی را نخواهد یافت که در کلام شیعی دارد، ولی این باعث نشده است که

مسئله منجی‌باوری در منابع اولیه اهل سنت نیامده باشد. مثلاً نسفی در کتاب عقایدش، مسئله مهدویت را در عناوینی همچون «خروج دجال»، «یاجوج و ماجوج»، «نزول عیسی» و «طلوع شمس از مغرب» ذیل «اشراط الساعة» نام برده (تفتازانی، ۱۴۰۸: ۲۷۳-۲۷۴)، گرچه از مهدی‌یادی نکرده است. تفتازانی، متکلم اشعری، معتقد است اخبار آحاد فراوانی درباره مسئله ظهور امامی از اولاد فاطمه، که در زمین عدالت می‌گسترند، وارد شده است (همو، ۱۴۰۹: ۳۱۲/۵-۳۱۵). معتزله به عنوان عقلگراترین فرقه اهل سنت نیز به ظهور مهدی موعود معترف‌اند (نک: موحّدیان عطار و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳۸). در این میان اهل سنت عمدتاً معتقدند این منجی شخصی در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد. متصوفه نیز با مطرح کردن موضوع ختم ولایت خاصه محمدی به نوعی مهدی‌باوری مصداقی معتقد بودند که مهدی شخصی در آن، صرف نظر از اینکه به دنیا آمده یا خیر، وجودی خارجی داشته، همه منازل و مدارج ولایت را طی کرده و از خاندان نبوی نیز هست (قیصری، ۱۳۸۱: ۳). رساله‌ای تحت عنوان «شقّ الجیب فی رفع حجاب الریب فی اظهار اسرار الغیب» را منسوب به ابن عربی دانسته‌اند که در آن درباره وجود و غیبت مهدی سخن می‌گوید. در فتوحات و فصوص نیز گاه ابن عربی در مباحث مرتبط با ختم ولایت از مهدی یاد می‌کند و به همین مناسبت در حدود ۱۶۰ تفسیر متصوفه بر این کتب نیز از مهدی سخن گفته‌اند. شاید اولین اثر مستقل صوفیانه را که اشاراتی به منجی‌باوری دارد بتوان ختم‌الاولیاء ترمذی دانست که در ۲۸۵ ه.ق. و در دوران غیبت صغرا نگاشته شده است. نفری (متوفای ۳۵۴ ه.ق.) نیز پیش از ابن عربی در کتاب مخاطبات، از ختم ولایت سخن گفته است. مجموعه کتاب‌هایی که به موضوع انسان کامل پرداخته و تحت این عنوان به همت صوفیانی همچون نسفی، جیلی و عبدالرحمن بدوی نگاشته شده نیز به احکام و شئون انسان کامل اشاره دارد که به گونه‌ای به مهدی‌باوری، از باب غیب بودن وی و غایت خلقت بودنش اشاره دارند (نک: موحّدیان عطار و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۶۲-۳۶۴). به سبب اقلیت و تحت فشار بودن، نگاه‌های امامیه به مسئله مهدویت پُررنگ‌تر بوده است. شیعیان منتظر قیام فردی بودند که این

نجات‌بخشی به دست او انجام شود. به همین مناسبت این منجی را «قائم» می‌نامیدند. در زمان امام باقر (ع)، نارضایتی از بنی‌امیه انتظار را برای قیام امام باقر (ع) و نجات به دست ایشان دامن زد، به‌خصوص آنکه امام باقر (ع) گرچه کودک بود اما زمینه حضور در قیام کربلا را نیز داشت. امام به این خواست مردم پاسخ مثبت نداد و فرمود من آن منجی نیستم (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۶/۱) و البته خبر از آمدن بنی‌عباس را مطرح کرد. دو دهه پس از آن نیز امام جعفر صادق (ع) این خواست را با بیان این جمله ناکام گذاشت که «صاحب شمشیر که اجازه قیام دارد و امر ما را به گونه دیگری اظهار می‌کند فرد دیگری است» (همان). این رویکرد امام صادق باعث دل‌سردی مردم شد و عده‌ای در پیروی از امام (ع) تجدید نظر کردند و به محمد نفس زکیه، که او را منجی موعود معرفی می‌کردند، پیوستند. این جریان تندرو با رویکرد نظامی وارد شدند و دست به شورش زدند و البته پس از مدتی سرکوب شدند و خود نفس زکیه به قتل رسید. البته باوری که این منجی‌باوران شیعی را در بستر تاریخ اسلام باقی گذاشت، این بود که معتقد به زنده‌بودن و غیبت و نهایتاً بازگشت محمد نفس زکیه بودند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۷).

### ۳.۲. موعودباوران بدون منجی (غیرشخص محور)

معتقدان به این اندیشه، که بیشتر در نگاه‌های انسان‌محورانه ریشه دارد، نجات را نه در دست شخصی نجات‌دهنده، بلکه در گرو رویکرد و کنش‌های اجتماعی می‌دانند. یعنی تحقق عدالت و سعادت انسان را تصمیم اجتماعی و خودفراخوانی در جهت نیل به جامعه‌ای می‌دانند که تمام ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آن حاکم باشد: «تعجب ندارد که نوستالژی و اتویا تنها آمال انقلابی مدرنیته را شکل می‌دهد. بدون اتویا با نهیلیسم محض تنها می‌مانیم» (دوزیناس، ۱۳۹۶: ۳۴۷). لازمه ایجاد اتویا (آرمان‌شهر)، از نگاه قائلان به نجات‌باوری بدون منجی، محوریت قانون و خواست اجتماع است. عدالت جهان‌وطنی یا تحقق عدالت استعلایی همان آرمان‌شهری است که در آن نه از بی‌عدالتی و ظلم خبری است و نه از انتظار برای فردای بهتر. این جامعه همان جامعه رؤیایی است که انسان برای

رسیدن به آن دست توسل به دامن قانون و خودسازی‌های اجتماعی می‌زند. وقتی از عدالت سخن می‌گوییم همیشه به یک انتیگون یا پرومتئوس<sup>۱</sup> ارجاع می‌دهیم. یعنی در مدرن‌ترین دوره تاریخ، همچنان به دنبال اسطوره‌ها هستیم. به عبارتی، اگر پروتستان‌تیزم مسیحی یا سلفی‌گری اسلامی داعیه بازگشت به گذشته سلف صالح خویش را دارند و به دنبال اصلاحات برای این بازگشت‌اند، در موعودباوری غیرشخص‌محور، اندیشه‌های اسطوره‌ای جهان‌وطنی، بازگشتگاه معتقدان به این تفکر است.

اندیشه جهان‌وطن‌گرایی، که سخن از مؤلفه‌هایی چون آزادی، ارج نهادن برای انسانیت و رهایی‌بخشی به زبان می‌آورد، تعریف‌پذیر است. اما این عناصر اغلب با خشونت‌ورزی گسترده در ابعاد مهم اجتماعی و جنگ زیر لوای قانونمندی در هر جایی اتفاق می‌افتد (همان: ۳۵۱). وقتی که قانون خلاف جهت تعیین‌شده‌اش حرکت کند یا بر اصولی که شیرازه‌های قانون را شکل می‌دهد پا نهد، بی‌عدالتی درونی، قانون تلقی می‌شود. این زمانی اتفاق می‌افتد که قانون بر معیارها و پایه‌هایش منطبق نباشد. اما و در عین حال، در طول تاریخ نوعی از عدالت جهان‌شمول به نام «عدالت استعلایی» را شاهدیم که همسو با کلیت قانون است (همان: ۳۵۴). اندیشه جهان‌وطنی آمدنی که شبیه به اندیشه منجی‌باوری است، با اتحادیه ملت‌ها و انسجام طبقاتی شکل نمی‌گیرد، بلکه عبارت از جامعه‌ای است که بازتاب همبستگی انسان‌ها و مبتنی بر گرایش‌های هم‌پذیرانه است. در دورنمای این جامعه نه خبری از تضعیف و تحقیر انسان‌ها است و نه بردگی، انحصار و امتیازطلبی معنا می‌یابد (همان: ۳۵۹).

آرمان‌شهر رؤیایی است که آینده خود را در آن ترسیم می‌کنیم؛ یعنی ابراز تعلق به زمانی می‌کنیم که در آینده اتفاق می‌افتد، البته که او تویی برآیند کنکاش‌های فیلسوفان و نویسندگان نیست، بلکه ویژگی دنیایی است که در آینده تحقق می‌یابد و به هیچ وجه شباهتی با جامعه مدرن و مرفه امروزی ندارد. این بدان معنا نیست که هر کسی از آرمان‌شهر سخن می‌گوید و ویژگی‌هایش را برمی‌شمرد از غیب چیزی گفته است، بلکه

این آگاهی، ماحصل مواجهه با مشاهدات موفق و غیرموفق بیرونی است (داوری اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). از همین رهگذر است که می‌توان قائل شد نجات بدون باور به موعود و صرفاً به صورت ایجاد اتوپیا و آرمان‌شهر نیز به نوعی منجی‌باورانه است اما نجات‌بخش در آن غیرمتشخص است و فرد خاصی نیست، بلکه تجربه جمعی انسانی بسترساز این جامعه است.

#### ۴. نحوه پدیدآمدن جریان‌های انحصارگرا از باور به منجی

در گستره روایات اسلامی، شاهد انبوهی مطالب درباره پایان ظلم، فساد، کفر و آفت‌های اجتماعی و فرهنگی و بشارت به تحقق عدالت، احقاق حقوق همه انسان‌ها و پاکی زمین به دست نجات‌دهنده‌ای شخصی هستیم. بنابراین، نگاه مسلمانان با هر گرایش فکری به موعودباوری، نگاهی از نوع اول در دو موضوع فوق، یعنی به صورت منجی شخص‌محور است. این نگاه، خود بستری را برای ظهور و بروز منجیان دروغین و تاخت و تازهایی زیر لوای تطبیق روایات اسلامی ملاحم و احادیث دال بر معرفی شاخصه‌های شمایی و رفتاری و نسبی منجی، در فرقه‌های مختلف اسلامی فراهم کرده است. جامعه اسلامی پس از قرن نوزدهم، خصوصاً پس از شکست امپراتوری عثمانی که غربی‌ها قلمرو عثمانی را تجزیه کردند و بر شهرهای اسلامی تسلط یافتند، در موقعیتی بود که به‌شدت به‌گزینه منجی می‌اندیشید. به عبارتی، مسلمانان در سایه آموزه‌های اسلامی در پی به دست آوردن مجدد اقتدار از دست رفته‌شان بودند. لذا در لاک وعده‌های آخرالزمانی فرو رفتند. این آموزه‌ها تحت عنوان «ملاحم و علائم ظهور» در طول تاریخ دنبال شده است. درباره مصداقی که در این نوشتار بررسی شده نگاه آخرالزمانی به داعش به عنوان نهضتی بنیادگرا از سوی مخالفان این اندیشه و تطبیق آنها و ماهیت قیامشان با علائم فتنه‌آمیز و ملاحم منفی آخرالزمانی گره خورده است. اینکه داعشیان، درست مانند القاعده، با کنیه خود را می‌نامند (ابن‌حماد، ۱۴۱۲: ۲۱۰/۱) یا اینکه صاحبان ریات سود (پرچم‌های سیاه) هستند که این علامت در خصوص اصحاب سفیانی ذکر شده (ابن‌طاووس، ۱۴۱۶: ۲۴۷)، و چیزهایی از

این دست باعث شده است از نگاه مخالفان این نهضت بنیادگرا نیز، این گروه جزء علائم ظهور قلمداد شده و از این طریق با موضوع مهدویت گره خورده باشند. این مسئله در تاریخ اسلام کم‌سابقه نبوده است. چنانچه عباسی‌ها با استفاده از آموزه مهدویت شماری از احادیث را به نفع خود جعل کردند و کوشیدند عملکردشان را در تطبیق عدالت اجتماعی با علائم ظهور مهدی (عج) هم‌نوا کنند و از این رهگذر بنی‌امیه را از بین ببرند. داعش نیز از تأثیرات اخبار موجود درباره آخرالزمان بی‌بهره نمانده و تا حد ممکن از آن نفع برده است. داعش از انتخاب پرچم سیاه و مقابله با پرچم‌های زرد، جنگ بزرگ در منطقه‌ای به نام دابق در اطراف شام، به کنیه صداکردن و انتساب به شهرها، قریشی بودن، آشوب و فتنه به پا کردن و این قبیل روایات که پاره‌ای از آنها حاصل جعل روایت برای مشروعیت دادن به ایدئولوژی گروه خاصی بوده است، به‌شدت استفاده کرده است (هندی، ۱۴۰۵: ۷۵/۳)؛ روایاتی که احتمالاً به دست خوارج صفریه، که از فرط عبادت سیمای زرد داشتند و با پرچم زرد نیز قیام کردند، راجع به آخرالزمان و مقابله پرچم‌های زرد و سیاه ساخته شده بود. ابن‌عاصم بستی خود روزی از صفریه بوده ولی از آنها جدا شده و در شعری این فرقه را مذمت می‌کند و از آنها به کسانی که علامتشان رنگ زرد (صفره) بوده است حکایت می‌کند (البغدادی، ۱۴۰۸: ۷۰).

انتخاب و اشاعه نام «ابوبکر البغدادی القرشی» برای شخصی به اسم «ابراهیم عواد ابراهیم علی بدری سامرایی» ملقب به «ابودعاء» خلیفه داعش، از جهت همین تطبیق است. زیرا لزوم قریشی بودن خلیفه پیامبر تا روز قیامت از مسلمات اهل سنت است (ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۳۱۸/۱۹). در همین انگاره، انتساب به شهرها و خطاب قرارگرفتن با کنیه نیز مشهود است. حتی ظهور بنی‌العباس دوم نیز از همین رهگذر تبیین‌پذیر خواهد بود. یعنی این مسئله، چه از نظر آنان که خلافت بنی‌العباس را خلافت پیامبر دانسته و با آن موافق‌اند و چه از نظر مخالفان آنان و قائلان به ظلم بنی‌العباس، به عنوان فرضیه‌ای قابل تطبیق با داعش صورت گرفته است، چنان‌که ابی‌بکر ناجی می‌گوید:

مدیریت توحش مرحله خطیری در پیش رو است که امت آن را پشت سر خواهد گذاشت؛ اگر در اداره این توحش موفق شویم مرحله بعد به اذن خداوند مرحله برپایی حکومت اسلامی خواهد بود که از سقوط و اختلاف (بنی‌العباس) در انتظار آن بوده‌ایم (ناجی، ۱۳۹۶: ۲۷).

از سوی دیگر، تابعان و طرفداران گروه‌های بنیادگرا، در هر نحله فکری معمولاً مرادشان را منجی موعود می‌دانند. مدعیان دروغین مهدویت امثال علی‌محمد باب (۱۸۱۹-۱۸۵۰) و میرزا حسین‌علی نوری (۱۸۱۷-۱۸۹۲) در ایران، مهدی سودانی (۱۸۴۴-۱۸۸۵)، احمدخان قادیانی (۱۸۳۵-۱۹۰۸) در هند و عبدالله القحطانی (۱۹۷۹) در عربستان سعودی از همین رهگذر در خور بررسی‌اند. مریدان ابوبکر بغدادی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیستند. آنها پس از اعلان خلافت از سوی ابوبکر بغدادی، اعلان ارادت خویش را با نگاه‌های منجی‌گرایانه و موعودباورانه به پیشگاه او ابراز داشتند. پاره‌ای از آنها که از کشورهای دیگر به این گروه پیوسته بودند بر اساس روایت نبوی خود را غرباء می‌دانستند و معتقد بودند همان غریبانی هستند که از وطن خود دل بریده و این بار آنها اسلام را که غریبانه شروع شد و دوباره به غربت باز می‌گردد یاری خواهند کرد (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲، کتاب الایمان: ۲۳۲).

پس از بهار عربی و سلسله آشوب‌هایی که در جهان عرب رخ داد، اندیشه منجی‌باوری، از طرف داعشیان بیشتر در میان مسلمانان برانگیخته شد. نقل پیش‌گویی‌هایی منسوب به پیامبر اسلام که فرموده بود: «به شام بروید. هر کسی که نمی‌تواند به شام برود به یمن برود»، نیز پایه‌های اندیشه موعودگرایی را مستحکم می‌کرد (مک‌کتس، ۱۳۹۶: ۲۲۷-۲۲۸). این انگیزه باعث شد این جریان‌ها بیشتر خود را با علائم پیش‌گویی‌شده آخرالزمان در فرهنگ اسلامی مطابقت دهند. از همین‌رو گروه داعش از اصطلاح «غربا» بسیار سود جستند. در زمان خلافت ابوبکر بغدادی، مصداق اصطلاح «غربا» به کسانی اطلاق می‌شد که برای جنگیدن از کشورهای عمدتاً غیراسلامی به گروه داعش ملحق می‌شدند (همان: ۲۴۴).

داعش از موضوعات روایت‌های دیگری همچون جنگ آخرالزمانی در سرزمین دابق، که در جنگ‌های صلیبی، مسیحیان نیز مطرح کرده بودند، یا روایات مربوط به دجال که از آموزه‌های یهودی به باور مسلمانان رخنه کرده بود، کم و بیش برای پیشبرد اهداف خود و معرفی خویش به عنوان نوعی گروه ارزشی آخرالزمانی استفاده کرد. سرزمین دابق در شمال حلب، نزدیکی مرز ترکیه، قرار دارد. دابق، از نظر داعشیان، موقعیتی بود که جنگ آخرالزمانی اسلام با هشتاد پرچم، که نشان‌دهنده هشتاد دولت غیرمسلمان است، در آن رخ می‌دهد. این مسئله تا اندازه‌ای در نظر داعشیان مهم می‌نمود که نشریه رسمی‌شان را *دابق* نامیدند. جنگ میان مسیح و دجال یادآور آن دسته از روایات اسلامی است که می‌گویند روزگاری مسیح در کنار مسلمانان علیه مخالفان می‌جنگد؛ مخالفانی که مرادشان همان دجال یا ضد مسیح است (همان: ۲۲۹).

##### ۵. علل تبدیل نهضت‌های منجی‌گرا به گروهی انحصارطلب

اسلام‌گرایان سلفی در دوره معاصر، از لحاظ اندیشه طیف‌های مختلفی دارند: سلفیه اصلاحی (اخوان)، سلفیه تقلیدی (وهابیت عربستان)، سلفیه سروری (ترکیبی از سلفیه وهابی و اندیشه سید قطب)، سلفیه جهادی (القاعده و داعش) و ... . داعش بیشترین تأثیر را از اندیشمندانی مانند سید قطب، عبدالسلام فرج در نسل اول به عنوان اندیشه‌ساز جریان سلفی دریافت کرده و در دوره معاصر از عبدالله عزام و بن‌لادن و ایمن الظواهری تأثیر پذیرفته که مجریان عملیاتی اندیشه سلفی بودند (نباتیان، ۱۳۹۳: ۷۰). نباید فراموش کرد که وقتی زمینه‌های مبانی فکری سلفیه اخوانی به عنوان ریشه سلفی‌گری جهادی امثال داعشیان در نسل اول و در میان اندیشمندان مصری شکل می‌گرفت، «مجمع عام اسلامی برای تشکیل خلافت» که به دنبال احیای خلافت در سرزمین‌های اسلامی و بازگشت به آرمان‌شهر باشکوه سلف صالح در دوره معاصر بود، در مجله‌اش تحت عنوان *الخلافة* مطرح کرد که با الغاء خلافت عثمانی به دست آتاتورک، اسلامیت جوامع اسلامی از بین رفته و همه مسلمانان گناهکارند تا با خلیفه‌ای دیگر بیعت کنند. این گناه به جز عقاب



اخروی‌اش، عذابی دنیوی به همراه خواهد داشت که به‌زودی می‌رسد و با از بین رفتن منصب خلافت، مسلمانان به جاهلیت بازگشته‌اند (مسجدجامعی، ۱۳۸۵: ۳۱۲).

اندیشه داعشی نیز برای رسیدن به آرمان‌شهر اسلامی، به جمله حجّاج بن یوسف ثقفی معتقد است که «ضعف السلطان اضرّ من جوره لأنّ ضعفه یعمّ و جوره یخص» (الشعکة، ۱۴۰۲: ۱۱۹/۴). بنابراین، ظلم با این نگاه، در نظامی فکری دارای معنای ارزشی می‌شود. ضعف حاکم ضررش بیشتر است، چراکه ظلم او به فرد یا عدّه‌ای خاص معطوف می‌شود اما عواقب ضعف او همه جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و مانعی در مسیر تشکیل تمدن اسلامی خواهد بود. ظلم به عنوان شاخص‌ترین آسیب جریان‌های اصلاح‌گرایانه با این تقریر توجیه‌پذیر خواهد شد. از سوی دیگر، هر کجا ظلم، نابرابری و معضلات اجتماعی بیشتر وجود دارد، در آنجا پدیده انتظار، امید و منجی‌باوری نیز حضور پررنگ‌تری دارد. بیزاری و فرار از وضع نامطلوب منجر به شکل‌گیری اتحاد باورهای نزدیک و صف‌بندی‌های مخالف می‌شود که وجه مشترک اصلی‌شان همین انزجار از وضع نامطلوب است. این نگاه رابطه میان اخلاق و تشکیل مدینه فاضله را نیز به‌خوبی نمایش می‌دهد (قرایی مقدم، ۱۳۸۹: ۴۷). با این دیدگاه فرار از وضع نامطلوب، منجر به فرورفتن در کام ایدئولوژی منجی‌باوری، حداقل به صورت غیرشخصی و تشکیل مدینه فاضله، می‌شود. جریان‌های اصلاح‌طلب با رویکرد ایدئولوژیک در پاسخ به اعتراضات احتمالی علیه مخالفانشان می‌ایستند، چراکه متکی به این باورند که شریعت اسلامی توانایی مطرح‌کردن راهکارهای متناسب با مقتضیات زمان، برای رفع مشکلات و حل مسائل را دارد و هیچ نیازی به الهام‌گیری در گشودن بن‌بست ذات‌البینی خود نداریم. لذا جنبه عملگرایی این جریان‌ها بر همین اصل مبتنی است (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

دومین علت تبدیل نهضتی منجی‌باورانه به گروهی اجتماعی و سیاسی همین ایدئولوژی‌سازی بر اساس جنبه‌ای اعتقادی و دینی است. ایدئولوژی یا همان «عقیده‌شناسی» در اصطلاح به باورداشتن به «سیستم ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای

اعتقادی» اطلاق می‌شود. طبق این تعریف، ارزش‌ها از لحاظ اخلاقی «چگونه‌زیستن» انسان را مشخص می‌کند و از لحاظ اجتماعی «جهت‌گیری سیاسی و طبقاتی» افراد را. لذا ایدئولوژی در نفس خود چند ویژگی دارد: «آرمان‌گرایی، نقادی و اعتراض به وضعیت نامطلوب اجتماعی با ضابطه اصول ایدئولوژیک، طراحی ارزشی برای اصلاح و بهبود شرایط غلط اجتماعی و در نهایت شکل‌دادن به جامعه‌ای ویژه» (علی‌جانی، ۱۳۸۰: ۴۱۷). با این وصف، اگر ایدئولوژی را از نظرگاه بایدها و نبایدهای اعتقادی ببینیم، هم در بُعد اخلاقی و هم در ابعاد سیاسی و طبقاتی، جنبه الزام‌آوری دارد که این رویکرد باب آزادی، اختیار عمل و انتخاب را به روی انسان می‌بندد و عنان افراد و اشخاص را به سمت خودمحموری و دگماتیسم می‌کشاند. لذا افتادن جریان‌های اصلاحی در دام ایدئولوژی منجر به ایجاد انگیزه بنیادگرایانه و نهایتاً تشکیل هسته‌ها و نظام‌های ستیزه‌جویانه می‌شود. توسعه‌دادن تکفیر عقیدتی به تکفیر عملی، و کافر دانستن مسلمانانی که مطابق ظاهر قرآن و سنت عمل نمی‌کنند، سومین پایه تبدیل اندیشه منجی‌گرا به گروهی انحصارگرا است. در تاریخ اسلام، خوارج به عنوان پیشینیان عقیدتی داعش، معتقد بودند اگر کسی مرتکب کبائر شود، از دین خارج است و کافر شمرده می‌شود (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۵: ۹۴/۱). این گروه‌های ستیزه‌جو ابتدائاً اندیشه‌های اعتقادی و دینی شخصی دارند. سلفیه دیوبندی نمونه‌ای از این گروه‌ها بودند. در مرحله بعد تبلیغ و ارشاد گمراهان از دین، مد نظر چنین گروه‌هایی خواهد بود. جماعة التبلیغ دیوبندی‌های سلفی از این دسته‌اند. کما اینکه زیدیه سلفیه یمن، که «مراکز دعوت» را در تمام نقاط یمن ایجاد کردند، چنین باوری دارند (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۶). به‌مرور باورهای عمل‌گرایی و لزوم اجرای احکام اسلامی به صورت کامل برای رسیدن به آرمان‌شهری دینی، گروه‌هایی مانند طالبان، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، جیش محمد، لشکر طیبیه، القاعده، النصره و نهایتاً داعش را می‌سازد (علی‌بخشی، ۱۳۹۵: ۱۵-۴۰).

## ۶. نشانه‌های بنیادگرایی در جریان‌ها

### ۶.۱. شریعت‌محور بودن

ساخت اجتماع بر اساس یک ایدئولوژی انحصاری که عرصه نقد علمی و عملی و حضور دیگر ایدئولوژی‌ها را منتفی می‌سازد، باعث ایجاد جریان‌های بنیادگرا خواهد شد. بنیادگرایان با رویکردی وارد عمل می‌شوند که مبانی اصلی آن از یک طرف بر محوریت شریعت و فراگیری آن، و از طرف دیگر در دست یافتن به نجات توأم با خشونت استوار است. به عبارت دیگر، در بسیاری از مواقع که بنیادگرایان با معضل یا مسئله‌ای مواجه می‌شوند بیشتر در پی حذف آن هستند تا به حل آن بیندیشند (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۳۵۹). این ذهنیت اغلب در چارچوب نظریه مساوی قرار دادن کلیت اسلام با شریعت اسلامی بمعنی الاخص است که فقط کلام و فقه را در بر می‌گیرد. شریعت اسلامی با شریعت در دین مسیحیت کاملاً فرق دارد. جایگاه شریعت اسلامی در تمام فراز و فرودهای تاریخ اسلام برجسته و در محور توجه و عملکرد مسلمانان و حکومت‌های اسلامی قرار داشته است. بنیادگرایان در پی تطبیق شریعت اسلامی، بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جوامع مختلف و با قائل شدن به صلیبیت و انعطاف‌ناپذیری شریعت، دقتی مفرط در عمل به شریعت و احکام را مطمح نظر قرار می‌دهند. «پیروی دقیق از روش‌هایی که بر اساس اصول فقه شکل گرفته است، مذاهب اصلی تسنن، یعنی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، و مذهب شیعه دوازده‌امامی جعفری، زیدی، اسماعیلی و اباضی را به وجود آورد» (نصر، ۱۳۹۴ ب: ۱۲۵).

در اینجا دو نکته در خور تأمل است. یکی اینکه برداشت‌های متفاوت اعتقادی از شریعت اسلامی منجر به ایجاد فرقه‌های مختلف مذهبی شده، و دیگر آنکه ناسازگاری شریعت اسلامی طبق نظر گروه غالب با دوره زمانی دیگر یا سرزمینی با فرهنگی متفاوت، باعث تکفیر و تحمیق آن فرهنگ و مردمان آن زمانه از طرف اندیشه اسلامی غالب می‌شود. همیشه در تاریخ سرزمین‌های تازه‌فتح‌شده اسلامی مشهود بوده است که

نهضت‌های اسلامی مردمان کشورهای هدفشان را، ولو پیشینه اسلامی داشته باشند، کشورهای دور از حقیقت اسلام می‌دانند. نمونه عملی آن در فقه داعش مشهود است:

نگاه این گروه از تکفیر سیاسی به تکفیر اعتقادی تغییر کرده است و از مفاهیم حاکمیت و احکام الهی برای تکفیر اعتقادی مسلمانان استفاده می‌کنند نه تکفیر حاکمان. علما بر وجوب (نه اباحه) کشتار کفار در سرزمین خودشان اجماع کرده‌اند؛ هرچند هیچ آزاری به مسلمانان نرسانند (مهاجر، بی‌تا: ۲۵).

#### ۶.۲. اعتقاد مریدان به ظرفیت جهانی شدن ایدئولوژی خود

اندیشه جهانی شدن حکومت اسلامی، خود بازتاب اندیشه جهانی بودن دین اسلام است. در باب ظرفیت جهانی شدن اندیشه اسلامی از اوان ظهور، از آن جهت که شریعت اسلامی مخاطب خود را تمام افراد بشر قرار داده است مسلمانان ادعای قابلیت تحقق شریعت دینی خود در گستره جهانی را دارند. بنابراین، این نگاه در متن فرهنگ اسلامی ریشه دارد و دین اسلام را به عنوان دینی فراگیر و جهان‌شمول به جهانیان عرضه می‌کند، که در آن عدالت اجتماعی و آرامش انسان را که ارزش گم‌شده بشر بوده است نوید می‌دهد. بدین لحاظ ظرفیت جهانی شدن دین اسلام را در همین غنمندی‌اش می‌دانند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). وجود دوقطبی فرهنگ اسلام و غرب، به‌خصوص از زمان اضمحلال خلافت عثمانی، بیشتر و شدیدتر محل توجه قرار گرفت که همین به شکل‌گیری جریان‌های اسلامی بنیادگرا انجامید. انتفاع جریان‌های بنیادگرا از اندیشه جهانی بودن اسلامی همیشه وجود داشته است. دولت اسلامی بغداد و شام (داعش) نیز به پیش‌گویی منسوب به پیامبر (ص) که فرموده است «هر جا که روز و شب در آنجا می‌رسد این دین نیز به آنجا خواهد رسید» تمسک می‌کرد (مک‌کتس، ۱۳۹۶: ۳۰۱). به همین مناسبت نشریه دولت اسلامی می‌نویسد: «سایه این پرچم مقدس تا آنجا گسترش می‌یابد که در شرق و غرب عالم را در بر بگیرد و جهان را با حقیقت و عدالت سرشار کند و پایانی بر کذب استبداد باشد» (همان: ۳۰۲).

### ۳.۶. باطل بودن غیر

تأکید در به کرسی نشاندن باورهای بنیادگرایانه از نشانه‌های دیگر بنیادگرایی است. در این روش بنیادگرایان راه درست را مبتنی بر معیارهایی می‌دانند که خود بدان باور دارند، نه اینکه حقیقتی بیرونی وجود باشد و باورهایشان را با آن محک بزنند. خشونت‌های این جریان‌ها اغلب از همین جنبه ناشی می‌شود. هر گاه دیدگاهی را در تضاد با دیدگاهشان ببینند در محو و محکوم کردنش می‌کوشند.

اعتقادگرایی (belief bias) تمایلی است ذهنی که در آن فرد در ارزیابی استدلال‌های مختلف فقط به این نکته توجه کند که نتایج هر استدلال چقدر با باورها و اعتقادات شخصی‌اش همخوانی دارد. گفته‌اند بر اساس پدیده سوگیری اعتقادی، افراد اغلب استدلالی را می‌پذیرند که با باورهایشان سازگار است، بی‌آنکه حتی منطقی بودن دلایل را در نظر بگیرند. در حالی که این تعریف نمی‌تواند پذیرفتنی باشد، چراکه از نظر شخص معتقد، باورهایی که دارد یا همگی به یک باور نهایی بازگشت دارند که آن باور، وثاقت مستقل دارد و مبنای سایر باورها است، یا همه باورها به صورت یک کل به هم پیوسته نظامی را تشکیل داده‌اند و در درون این نظام، یکدیگر را تأیید می‌کنند. عقیده بازگشت همه باورها به باوری ابتدایی را مبنایگرایی می‌گویند. از این رو ظاهراً وجود باورهایی که به توجیه نیاز ندارند، یا به نحوی خودتوجیه‌گرند (self-justifying)، ضروری است تا همچون زیربنای معرفتی عمل کنند (گرلینگ و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۴). ناخرسندی از مبنایگرایی، برخی معرفت‌شناسان را به ترجیح این قول کشانده است که باور در صورتی موجه است که با مجموعه باورهایی که پیش‌تر پذیرفته شده‌اند، هماهنگ باشد (همان: ۱۶). از آنجا که ایدئولوژی‌ها قدرت دگرگون‌کردن واقعیت را ندارند، می‌کوشند از طریق روش‌های برهانی ویژه، اندیشه را از قید تجربه آزاد کنند. تفکر ایدئولوژیک، واقعیت‌ها را در نظامی مطلقاً منطقی سامان می‌دهد، نظامی که از قضیه‌ای بدیهی و مسلم آغاز می‌کند و سپس همه چیزهای دیگر را از همان قضیه بدیهی استنتاج می‌کند. ایدئولوژی‌ها

از یک سو با علاقه‌ای که به عنصر حرکت و تاریخ به معنای مرسوم آن دارند و از سوی دیگر به دلیل استقلالشان از واقعیت و تجربه، قادر به نوعی قیاس منطقی می‌شوند که در آن احتجاجات از هر گونه تماس با تجربه دور نگه داشته می‌شود. وجود عناصر فوق در هر ایدئولوژی، زمینه را برای شکل‌گیری منطق خاصی فراهم می‌کند که بر مبنای آن می‌توان رفتارهای رژیم فراگیر را توجیه و هدایت کرد (علی‌جانی، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

ستیزه‌جویی بنیادگرایان و خشونت متکی به این عقیده، معمولاً از آن لحاظ است که بر اساس مبنای واقعی معتقدند کسانی که خلاف عقیده آنان را ابراز می‌کنند، در راه نادرست روان‌اند و دشمن محسوب می‌شوند و خطراًفرین‌اند. از طرف دیگر، ستیزه‌جویی بنیادگرایان به گونه‌ای است که انسان و جامعه انسانی را به دو جهت تقسیم می‌کند؛ جهت سیاه و جهت سفید. به این معنا که خودشان بر اساس خواست و احکام شریعت عمل می‌کنند و دیگران نه تنها برخلاف شریعت عمل می‌کنند، بلکه از آن مهم‌تر مانعی فراراه شریعت‌گرایی اینها می‌شوند (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۴۲۸).

#### ۶.۴. خشونت

بنیادگرایان در تطبیق احکام شریعت با همان رویکرد خاص خود شدت عمل به خرج می‌دهند و همیشه در پی اجرای قرائت خاص و انحصاری‌ای هستند که از شریعت اسلامی دارند. بنیادگرایان اصل انتخاب و آزادی فردی را رد می‌کنند و در تلاش برای کنترل و حکومت بر تمام رفتارهای افراد هستند. بعضی محققان معتقدند بنیادگرایان نمی‌توانند تفاوت‌های فردی انسان‌ها را بفهمند و به دنبال آنند که همه را به هر طریقی که شده یکسان کنند که خواسته یا ناخواسته این شکلی از توتالیتریسم و نگاه استبدادی است. البته در تجربه حکومت‌های بنیادگرا، فردگرایی مدرن در لایه‌های پنهان پدیدارهای مدرنیته مانند شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های عظیم و مفهوم دولت-ملت، حمایت شده است. مثلاً طالبان در زمان حکومتشان در افغانستان مردم را در پیروی از شریعت به نحوه طالبانی وامی‌داشتند و به بستن دستار و عمامه مجبور می‌کردند و آن را از واجبات دین

آسیب‌شناسی تأثیر باورهای منجی‌گرایانه در تقویت اندیشه بنیادگرایی اسلامی / ۱۶۹

می‌شمردند. نام حکومتشان را در افغانستان «امارت اسلامی» گذاشتند و رادیوی افغانستان را «صدای شریعت» نامیدند. در تطبیق احکام، خشونت را به کار می‌گرفتند و کسانی را که ریش می‌تراشیدند شدیداً مجازات می‌کردند (همان: ۴۷۰-۴۷۱).

نمونه دیگر، نوع نگاه داعشیان است. داعش، اسلام را دین جهاد و شمشیر می‌داند. آنها برای سخن خود از برخی از روایات و آیات نیز استفاده می‌کنند؛ روایاتی مانند اینکه پیامبر اسلام فرمود: «لقد جئکم بالذبح» که خطاب پیامبر به اهل مکه است که: «ای جماعت قریش! آیا صدای مرا می‌شنوید؟ آگاه باشید به خدایی که جانم در دستان او است قطعاً من با ذبح به سوی شما آمده‌ام» (کنایه از آنکه اگر اسلام نیاورید کشته خواهید شد) (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۲۲۹/۱)؛ یا استناد داعش به این نوع فتاوا که «قوام الدین بکتاب یهدی و سیف ینصر»، که برپایی دین را بر اساس زحمات اهل قلم از سویی و اهل شمشیر از سوی دیگر می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۲۶۴/۲۸، کتاب الجهاد). از همین رهگذر گفته سخنگوی داعش قابل فهم خواهد بود که «چه کسی گفته است اسلام دین صلح و رحمت است؟». او معتقد است تمام علمای اسلام، که اسلام را دین صلح معرفی می‌کنند، مرجئه زمان‌اند که حقایق را کتمان می‌کنند (العدنانی، ۱۴۳۷).

در نگاه منجی‌گرایان، تمام این خشونت‌ها به جهت برپایی اسلام اصیل است. دولت اسلامی مجازات‌ها را در ملاً عام انجام می‌دهد، حال آنکه عربستان سعودی به دلیل سانسورهای بین‌المللی در خفا اجرایشان می‌کند. دوم آنکه، دولت اسلامی در اجرای همان مجازات‌های سعودی، از خشونت‌های آنان هم بسیار جلوتر زد. دولت اسلامی برای شرب خمر و افترا هشتاد ضربه شلاق در نظر گرفته، حال آنکه در عربستان سعودی، مجازات آن به تشخیص قاضی است. یا در حالی که عربستان سعودی ترجیح می‌دهد مجرمان را با قطع سر اعدام کند، دولت اسلامی، هم قطع سر می‌کند و هم کارهایی فراتر از آن مثل انداختن آدم‌ها از ساختمان‌ها یا شلیک به سر و بعد به صلیب کشیدنشان (مک‌کتس، ۱۳۹۶: ۲۹۶).

این سوءاستفاده از منجی‌گرایی در طول تاریخ اسلام مسبوق به سابقه بوده است. البته معمولاً روال چنین است که حکومت‌ها با تکیه بر موعودگرایی و منجی‌طلبی تأسیس می‌شود. آنگاه که حاکمان مستقر شدند می‌کوشند باورهای منجی‌خواهی مردم را به تأخیر بیندازند. خلیفه‌های موعودگرای متقدم نیز چنین کرده بودند. عباسیان، قهرمانان دولت اسلامی در دوره‌های قدیم، بر موج شور آخرالزمان سوار شدند و به قدرت رسیدند و خیلی از آنها لقب آخرالزمانی مهدی را برگزیدند. موحدون در اسپانیا و شمال آفریقا و فاطمیون در مصر نیز همین رویه را داشتند. موحدون خلافتی سنی و فاطمیون خلافتی شیعی بود که هر دو «مهدی»ای تعیین کرده بودند تا وقتی بر سر قدرت‌اند بحث‌های آخرالزمانی را بی‌اهمیت جلوه دهند. البته سردشدن باور به منجی فقط برای استقرار حاکمان و تحویل‌ندادن حکومت به مهدی موعود بوده است و جنبه‌های تحریک احساسات در اجرای احکام و مبارزه با کفار برای آماده‌شدن جهان در راستای آمدن منجی، در ادبیات آخرالزمانی تمامی این گروه‌ها تشدید می‌شد. این همان حقیقتی بود که باعث ظهور عملی خشونت و بنیادگرایی شد.

### نتیجه

در طول تاریخ دین، منجی‌گرایی و استفاده از تطبیق ملاحم و فتن و پیش‌گویی‌های آخرالزمانی، گاه منجر به ایجاد و تقویت اندیشه بنیادگرایانه در میان باورمندان به آن ادیان بوده است. این پژوهش صرفاً تحقیقی توصیفی است و به هیچ وجه در این باره که آیا این تفکر خوب است یا ناصواب یا اینکه برای مواجهه با آن چه راهکارهایی می‌توانیم داشته باشیم سخن نگفته است. در این گزارش می‌بینیم که فرآیند انتظار، علی‌رغم تمام جنبه‌های مثبت، می‌تواند از انسان منتظر، معتقدی بنیادگرا نیز بسازد. دلیل این مطلب احکام‌گرایی صرف، انحصارگرایی اعتقادی، تکذیب، تکفیر یا تحمیق سایر افکار و در نهایت خشونت مقدّسی است که فرد معتقد، خواسته یا ناخواسته، به سمت آن می‌رود و از همین رهگذر در دامی می‌افتد که از قضا بنا بوده است عامل نجات خودش و دیگر



افراد اجتماع بشری باشد. اندیشه بنیادگرایانه در بستر فرهنگ اسلامی نیز می‌تواند بن‌مایه‌هایش را از باورهای منجی‌گرایانه اخذ، یا حداقل به واسطه آنها تقویت کند. این پژوهش به نمونه‌هایی از استفاده حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) از این روایات و ملاحم آخرالزمانی برای استحکام‌بخشیدن به پایه‌های حاکمیتی خود اشاره کرده و چگونگی تغییر ماهیت باور نیروآفرین منجی‌گرایی و تبدیل آن به نوعی فرآیند خطرآفرین بنیادگرا را نشان می‌دهد. نهایتاً این فرضیه که منجی‌گرایی به عنوان نوعی اندیشه‌های بخش‌اصیل، با انحراف از اصول اولیه می‌تواند دچار آفت‌هایی شود بر اساس انگاره‌های موعودباورانه گروه داعش به صورت آسیب‌شناسانه بررسی شد؛ یعنی با تحقیقی توصیفی از چگونگی و فرآیند دچارشدن به این آفت‌ها، چرایی ایجاد این آسیب‌ها در مسیر ساخت تمدن اسلامی استخراج شد.

### پی‌نوشت

۱. دو تراژدی اساطیر یونانی که اوکی بر سر بزرگ‌داشت جسد برادرش از فرمان دایی خود سرپیچید و عاقبت به زنجیر کشیده شد و وقتی خواستند آزادش کنند خود را کشته بود؛ و دومی الاهی که عاشق آدمیان بود و به رغم مخالفت زئوس خدای خدایان، آتش را به انسان‌ها داد.

## منابع

- ابن اسحاق، محمد (۱۳۹۸/۱۹۷۸). *سیره ابن اسحاق (کتاب السير والمغازی)*، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۵). *مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه*، مدينة المنورة: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والارشاد، الطبعة الاولى.
- ابن حماد، نعیم (۱۴۱۲). *الفتن*، قاهره: مكتبة التوحيد، الطبعة الاولى.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶). *مسند احمد بن حنبل*، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الاولى.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶). *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن*، قم: مؤسسه صاحب الأمر، الطبعة الاولى.
- آرمسترانگ، کارن (۱۳۹۶). *بنیادگرایی؛ بیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه: کیانوش حشمتی، تهران: حکمت، چاپ اول.
- البغدادی، عبد القاهر (۱۴۰۸). *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية*، بیروت: دار الجلیل، الطبعة الاولى.
- پاکتچی، احمد؛ هوشنگی، حسین (۱۳۹۳). *بنیادگرایی سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
- ترمذی، محمد بن علی (۱۴۲۲). *ختم الاولیاء*، بیروت: المطبعة الكاثولیکية، الطبعة الثانية.
- تفتازانی، سعد الدین مسعود (۱۴۰۸). *شرح العقائد النسفیة*، تحقیق: احمد سقا، قاهره: مكتبة الكليات الازهرية، الطبعة الاولى.
- تفتازانی، سعد الدین مسعود (۱۴۰۹). *شرح المقاصد*، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، قم: شریف رضی، الطبعة الاولى.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۱). *نگاهی نو به فرهنگ و سیاست*، تهران: علمی، چاپ اول.
- دوزیناس، کوستاس (۱۳۹۶). *حقوق بشر و امپراتوری فلسفه سیاسی: جهان وطن‌گرایی*، ترجمه: علی صابری تولایی، تهران: ترجمان.
- روتون، ملیس (۱۳۸۹). *بنیادگرایی*، ترجمه: بیژن اشتری، تهران: افکار، چاپ اول.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳). «جهانی‌شدن و مهدویت: دو نگاه به آینده»، در: *قبسات*، س ۹، ش ۳۳، ص ۱۲۹-۱۴۲.
- سلطانی، مصطفی (۱۳۹۵). *زیدیه سلفی*، قم: مرکز تخصصی ائمه اطهار، چاپ اول.
- الشکعة، مصطفی (۱۴۰۲). *الائمة الاربعة*، بیروت: دار الکتب اللبنانی، الطبعة الاولى.

آسیب‌شناسی تأثیر باورهای منجی‌گرایانه در تقویت اندیشه بنیادگرایی اسلامی / ۱۷۳

طیّبی، بسام (۲۰۰۰). *بنیادگرایی در اسلام: خطری برای صلح جهانی؟*، آلمان: دارمشتات، چاپ اول.  
العدنانی، ابو محمد (۱۴۳۷). *السلیمة دین من؟*، فایل صوتی، بی‌جا: بی‌نا.  
علی‌بخشی، عبدالله (۱۳۹۵). *جریان‌شناسی گروه‌های سلفی و تکفیری*، قم: مرکز تخصصی ائمه اطهار، چاپ اول.

علی‌جانی، رضا (۱۳۸۰). *ایدئولوژی: ضرورت یا پرهیز و گریز*، تهران: چاپخش، چاپ اول.  
علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۵). *تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت*، تهران: آوای منجی، چاپ دوم.  
علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۶). *وارونگی: نقد و بررسی جریان‌های تکفیری با تأکید بر داعش*، تهران: بوستان کتاب، چاپ دوم.

غزالی، محمد (۱۳۹۳). *الاقتصاد فی الاعتقاد*، تحقیق: محمد ابوالعلاء، قاهره: مکتبه الجنیدی.  
قرایی مقدم، امان‌الله (۱۳۸۹). *میانی جامعه‌شناسی*، تهران: ابجد، چاپ هشتم.  
قزلباش، رقیه (۱۳۸۹). *موعودگرایی در مسیحیت انجیلی بنیادگرا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین کلباسی اشتری، استاد مشاور: احمدعلی حیدری، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی.

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲). *صحیح مسلم*، تصحیح: محمد فؤاد عبد الباقی، قاهره: دار الحدیث، الطبعة الاولى.

قیصری، داود (۱۳۸۱). *رسائل قیصری*، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.  
گریلینگ، ای. سی.؛ و دیگران (۱۳۸۰). *نگرش‌های نوین در فلسفه*، ترجمه: یوسف دانشور و دیگران، قم: دانشگاه قم.

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۹۶). *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر، چاپ دوازدهم.

مسجدجامعی، محمد (۱۳۸۵). *زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن*، قم: نشر ادیان، چاپ اول.

مک‌کنتنس، ویلیام (۱۳۹۶). *رستاخیز داعش*، تهران: اسم، چاپ دوم.  
موحدیان عطار، علی؛ و دیگران (۱۳۸۹). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.

۱۷۴ / پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم

مهاجر، ابو عبدالله (بی‌تا). *مسائل من فقه الجهاد*، بی‌جا: بی‌نا.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۹۵). *جریان‌های افراطی در پاکستان*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.

ناجی، ابی‌بکر (۱۳۹۶). *مدیریت توحش*، ترجمه: آزاده گریزوانی، تهران: نقد و فرهنگ، چاپ اول.  
نباتیان، محمداسماعیل (۱۳۹۳). *زمینه‌های فکری سیاسی جریان بعثی تکفیری داعش*، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، چاپ اول.

نصر، حسین (۱۳۸۵). *اسلام، مذهب، تاریخ و تمدن*، ترجمه: عباس گیلوری، تهران: روزبهان، چاپ اول.  
نصر، حسین (۱۳۹۴ الف). *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

نصر، حسین (۱۳۹۴ ب). *قلب اسلام*، ترجمه: صادق خرازی، تهران: نی، چاپ پنجم.

هندی، علی (۱۴۰۵). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تحقیق: بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الخامسة.

## References

- Al-Adnani, Abu Mohammad. *Al-Salimah Din Man? (Whose Religion is Sound?)*, Audio File, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Al-Baghdadi, Abd al-Ghaher. 1987. *Al-Fargh bayn al-Feragh wa Bayan al-Ferghah al-Najiyah (The Difference between Sects & Introduction to the Saved Sect)*, Beirut: Al-Jalil House, First Edition. [in Arabic]
- Ali Bakhshi, Abdollah. 2016. *Jaryanshenasi Goruh-hay Salafi wa Takfiri (Salafi and Excommunication Currents)*, Qom: Specialized Center of Infallible Imams, First Edition. [in Farsi]
- Ali Jani, Reza. 2001. *Ideology: Zarurat ya Parhiz wa Goriz (Ideology: Necessity or Avoidance)*, Tehran: Chapakhsh, First Edition. [in Farsi]
- Alizadeh Musawi, Seyyed Mahdi. 2016. *Tabarshenasi Salafigari wa Wahabiyat (Genealogy of Salafism and Wahhabism)*, Tehran: Voice of Savior, Second Edition. [in Farsi]
- Alizadeh Musawi, Seyyed Mahdi. 2017. *Warunegi: Naghd wa Barresi Jaryan-hay Takfiri ba Takid bar Daesh (Inversion: Criticism of Excommunication Currents with an Emphasis on ISIS)*, Tehran: Book Garden, Second Edition. [in Farsi]
- Al-Shakah, Mostafa. 1981. *Al-Aemmah al-Arbaah (The Four Imams)*, Beirut: Lebanese Book House, First Edition. [in Arabic]
- Andishesazan Noor Institute. 2016. *Jaryan-hay Efrati dar Pakestan (Extremist Currents in Pakistan)*, Tehran: Andishesazan Noor Institute, First Edition. [in Farsi]
- Armstrong, Karen. 2017. *Bonyadgerayi; Peykar dar Rah Khoda dar Yahudiyat, Masihiyat wa Islam (Fundamentalism; Fighting in the Way of God in Judaism, Christianity and Islam)*, Translated by Kiyanush Heshmati, Tehran: Wisdom, First Edition. [in Farsi]
- Dawari Ardakani, Reza. 2012. *Negahi No be Farhang wa Siyasat (A New Look at Culture and Politics)*, Tehran: Scientific, First Edition. [in Farsi]
- Douzinias, Costas. 2017. *Hoghugh Bashar wa Emperaturi Falsafeh Siyasi: Jahan Watangerayi (Human Rights and Empire: The Political Philosophy of Cosmopolitanism)*, Translated by Ali Saberi Tawallayi, Tehran: Tarjoman. [in Farsi]
- Gharayi Moghaddam, Amanollah. 2010. *Mabani Jameeshenasi (Principles of Sociology)*, Tehran: Abjad, Eighth Edition. [in Farsi]

- Ghazali, Mohammad. 1973. *Al-Eghtesad fi al-Eteghad (Moderation in Belief)*, Researched by Mohammad Abu al-Ala, Cairo: Al-Jondi Press. [in Arabic]
- Gheysari, Dawud. 2002. *Rasael Gheysari*, Edited by Seyyed Jalal al-Din Ashtiyani, Tehran: Research Institute of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Ghezlbash, Roghayeh. 2010. Moudgerayi dar Masihiyat Enjili Bonyadgera (Promiseism in Fundamentalist Evangelical Christianity), Master's Thesis, Supervisor: Hoseyn Kalbasi Ashtari, Advisor: Ahmad Ali Heydari, Tehran: Faculty of Literature and Human Sciences, Allameh Tabatabayi University. [in Farsi]
- Ghoshayri Neysaburi, Moslem ibn Hajjaj. 1991. *Sahih Moslem*, Edited by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Cairo: House of Hadith, First Edition. [in Arabic]
- Grayling, A. C.; and Others. 2001. *Negarsh-hay Nowin dar Falsafeh (New Attitudes in Philosophy)*, Translated by Yusof Daneshwar & et al., Qom: University of Qom. [in Farsi]
- Hendi, Ali. 1984. *Kanz al-Ommal fi Sonan al-Aghwal wa al-Afaal (The Treasure of Deeds in the Tradition of Words and Deeds)*, Researched by Bakri Hayani, Beirut: Al-Resalah House, Fifth Edition. [in Arabic]
- Ibn Hammad, Naim. 1991. *Al-Fetan (Seditions)*, Cairo: Monotheism Press, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad. 1995. *Mosnad Ahmad ibn Hanbal*, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Ishagh, Mohammad. 1978. *Sirah Ibn Ishagh (The Book of al-Seyr wa al-Maghazi)*, Researched by Sohayl Zakkar, Beirut: House of Thought, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1995. *Al-Tashrif be al-Menan fi al-Tarif be al-Fetan*, Qom: Master of Command Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2004. *Majmu Fatawa al-Sheikh al-Islam Ibn Taymiyyah*, Medina: Ministry of Islamic Affairs, Endowments, Call and Guidance, First Edition. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Books House, Fourth Edition. [in Arabic]
- Masjed Jamei, Mohammad. 2006. *Zamineh-hay Tafakkor Siyasi dar Ghalamro Tashayyo wa Tasannon (Fields of Political Thinking in the Realm of Shia and Sunni)*, Qom: Publication of Religions, First Edition. [in Farsi]

- McCants, William. 2017. *Rastakhiz Daesh (The Resurrection of ISIS)*, Tehran: Noun, Second Edition. [in Farsi]
- Modarresi Tabatabayi, Seyyed Hoseyn. 2007. *Maktab dar Farayand Takamol (School in the Process of Evolution)*, Translated by Hashem Izadpanah, Tehran: Desert, 12<sup>th</sup> Edition. [in Farsi]
- Mohajer, Abu Abdollah. n.d. *Masa'el men Feghh al-Jehad (Issues from the Jurisprudence of Jihad)*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Mowahediyani Attar, Ali; et al. 2010. *Guneshshenasi Andisheh Monji Moud dar Adyan (Typology of the Thought of the Promised Savior in Religions)*, Qom: University of Religions and Denominations, First Edition. [in Farsi]
- Nabatiyan, Mohammad Ismail. 2014. *Zamineh-hay Fekri Siyasi Jaryan Bathi Takfiri Daesh (The Intellectual and Political Grounds of the Baathist Excommunication Movement of ISIS)*, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt (AS), First Edition. [in Farsi]
- Naji, Abubakr. 2017. *Modiriyat Tawahhosh (Management of Brutality)*, Translated by Azadeh Gorizwani, Tehran: Criticism and culture, First Edition. [in Farsi]
- Nasr, Hoseyn. 2006. *Islam, Mazhab, Tarikh wa Tamaddon (Islam, Religion, History and Civilization)*, Translated by Abbas Giluri, Tehran: Ruzbahan, First Edition. [in Farsi]
- Nasr, Hoseyn. 2015 a. *Elm wa Tamaddon dar Islam (Science and Civilization in Islam)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Scientific & Cultural, Sixth Edition. [in Farsi]
- Nasr, Hoseyn. 2015 b. *Ghalb Islam (Heart of Islam)*, Translated by Sadegh Kharrazi, Tehran: Ney, Fifth Edition. [in Farsi]
- Pakatchi, Ahmad; Hushangi, Hosayn. 2014. *Bonyadgerayi Salafiyeh: Bazshenasi Teyfi az Jaryan-hay Dini (Salafism Fundamentalism: Recognition of a Range of Religious Currents)*, Tehran: Imam Sadeq University, Second Edition. [in Farsi]
- Routon, Melis. 2010. *Bonyadgerayi (Fundamentalism)*, Translated by Bijan Ashtari, Tehran: Thouhts, First Edition. [in Farsi]
- Sajjadi, Abd al-Ghayyum. 2004. "Jahani Shodan wa Mahdawiyat: Do Negah be Ayandeh (Globalization and Mahdism: Two Views of the Future)", in: *Ghabasat*, yr. 9, no. 33, pp. 129-142. [in Farsi]
- Soltani, Mostafa. 2016. *Zaydiyeh Salafi (Salafi Zaydism)*, Qom: Specialized Center of Infallible Imams, First Edition. [in Farsi]

- Taftazani, Sad al-Din Masud. 1987. *Sharh al-Aghayed al-Nasafiyah*, Researched by Ahmad Sagha, Cairo: Al-Azhar Colleges Library, First Edition. [in Arabic]
- Taftazani, Sad al-Din Masud. 1988. *Sharh al-Maghased (Explanation of Intentions)*, Researched by Abd al-Rahman Omayrah, Qom: Al-Sharif al-Razi, First Edition. [in Arabic]
- Tayyebi, Basam. 2000. *Bonyadgerayi dar Islam: Khatari baray Solh Jahani? (Fundamentalism in Islam: A Threat to World Peace?)*, German: Darmstadt, First Edition. [in Farsi]
- Termezi, Mohammad ibn Ali. 2001. *Khatm al-Awliya (Seal of Saints)*, Beirut: Catholic Press, Second Edition. [in Arabic]